

بررسی علل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در کاربرد حرف تعریف اسپانیایی

پردیس پرویزی*

استادیار زبان‌شناسی اسپانیایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه
طباطبایی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۵، تاریخ تصویب: ۹۲/۷/۲۰)

چکیده

هدف از این تحقیق، کمک به آموزش برخی از جنبه‌های خاص بکارگیری حرف تعریف در زبان اسپانیایی به دانشجویان و زبان‌آموزان ایرانی است که تاکنون بدان پرداخته نشده است. حرف تعریف یکی از موضوعات بسیار بحث‌برانگیز در زبان اسپانیایی است که اختلاف نظرات فراوانی در خصوص عملکردهای آن وجود دارد. این اختلافات مشکلات بسیاری را در فراگیری حرف تعریف توسط دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان اسپانیایی به عنوان زبان دوم پدیدآورده است. بنابراین، با استفاده از روش تجربی تحقیقی، پرسشنامه‌ای به منظور ارزیابی توانایی زبان‌آموزان ایرانی^۱ در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته تهیه شد که در این مقاله کاربردهای مختلف این عنصر زبان‌شناسی را در قالب الگویی مشخص در سه دسته دستوری، نحوی و معنایی تقسیم‌بندی کرده و به بررسی خطاهای زبان‌آموزان پرداختیم و عوامل اصلی تأثیرگذار در بروز این خطاها را به منظور تسهیل در درک و فراگیری حرف تعریف مورد شناسایی قرار داده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: تحلیل خطا، زبان‌آموزان، آموزش حرف تعریف، زبان اسپانیایی، زبان‌شناسی.

* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۲۰۹، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: parvizi_edu@yahoo.com

۱- منظور از زبان‌آموزان ایرانی، فارس زبانانند.

مقدمه

در سال‌های اخیر، علاقه‌مندی به فراگیری زبان اسپانیایی در میان دانشجویان و زبان‌آموزان ایرانی رشد فزاینده‌ای داشته است، اما به دلیل تفاوت‌های گسترده ساختاری میان زبان فارسی و زبان اسپانیایی، زبان‌آموزان با چالش‌های بسیاری در این راه مواجه‌اند. یکی از این چالش‌ها، کاربرد حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی است.

پیشینه تحقیق در زمینه فراگیری زبان دوم و بررسی خطاهای زبان‌آموزان در این گستره به چند دهه قبل بازمی‌گردد. تحقیقاتی که تاکنون در زمینه فراگیری زبان دوم به عمل آمده، حاکی از آن است که بیشتر زبان‌آموزان نمی‌توانند مهارت‌های لازم را هم‌سطح با گویندگانی که به زبان مادری تکلم می‌کنند، کسب نمایند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده، تشابه عناصر در ساختار زبان مادری و زبان دوم می‌تواند نقش تأثیرگذاری در فراگیری زبان دوم داشته باشد. به عنوان مثال، تحقیقاتی که لویزفرناندز در سال ۱۹۹۱ در میان زبان‌آموزان فرانسوی، آلمانی، ژاپنی و عرب‌زبان در زمینه به کارگیری حرف تعریف معین اسپانیایی انجام داده است، بیانگر همین مطلب است. نظریه‌ها و فرضیه‌های گوناگونی که در زمینه‌های مختلف مورفولوژیک، نحوشناسی، معناشناسی، زبان‌شناسی و حتی فلسفی درباره حرف تعریف معین اسپانیایی ارائه شده‌اند، حاکی از آن است که دامنه مطالعات درباره این عنصر دستوری بسیار وسیع است. نظریه‌پردازانی مانند بی‌یو (۱۸۴۷، ۲۶۷)، آلونسو (۱۹۳۳، ۱۲۸)، آلاکوس (۱۹۷۰، ۲۳۰-۲۲۷)، لئونتی (۱۹۹۰، ۱۲) و نیز در کتاب دستور آکادمی زبان اسپانیایی (۱۰۲۳)^۱ و بسیاری دیگر از این دست، سال‌ها است بر آنند مفهومی حقیقی از حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی ارائه دهند، اما تا به امروز نظریه واحدی در این زمینه ارائه نشده است. اختلافات بسیاری درباره ماهیت حرف تعریف وجود دارد، از جمله اینکه آیا حرف تعریف ضمیر است یا یک واحد زبانی کوچک؟ آیا نمود تضاد معین و نامعین با (el, un) جلوه می‌یابد یا با (el, Ø)؟ آیا حرف تعریف می‌تواند هسته گروه اسمی باشد و غیره؟ گذشته از این موارد، در زمینه عملکرد و نقش‌های حرف تعریف نیز نظریه‌های فراوانی مطرح شده‌اند که خود منجر به بروز اختلاف نظرهای بسیاری در این زمینه شده است.

از میان نظریه‌های مطرح درباره حرف تعریف اسپانیایی، دو نظریه اصلی مبتنی بر اصول فلسفی‌اند. یکی از نظریه‌ها که در دستور زبان کهن به آن اشاره شده است، ماهیتی منطقی برای

1- Real Academia Española (pág. 1023).

حرف تعریف قائل است و آن را به دو نوع معین (el) و نامعین (un) دسته‌بندی می‌کند، به طوریکه حرف تعریف معین بیانگر مشخص بودن مرجع برای شنونده و گوینده است و حرف تعریف نامعین، نامشخص بودن آن را نشان می‌دهد (بی‌یو، ۱۸۴۷، ۲۶۷). نظریه دیگر درباره حرف تعریف مبتنی بر تعابیر فلسفی، بحث جوهر و وجود است، که برآن اساس دسته‌بندی معین و نامعین بودن حرف تعریف حائز اهمیت نیست، بلکه محوریت بر حضور یا عدم حضور حرف تعریف است. بدین ترتیب، حرف تعریف (el) به وجود مرجع، و عدم کاربرد آن (Ø) به جوهر آن استناد دارد (آلونسو، ۱۹۳۳، ۱۳۴-۱۳۳، آلازکوس، ۱۹۷۰، ۲۳۰-۲۲۷). هرچند امروزه نظریه مربوط به ماهیت منطقی حرف تعریف مورد تأیید است، اما در پاره‌ای موارد، مطالعات مبتنی بر نظریه جوهر و وجود حرف تعریف نیز پذیرفته شده است (دستور آکادمی زبان اسپانیایی، ۲۰۰۹، ۱۰۲۳). به هر حال، عدم دست یافتن به توافقی واحد درباره مفهوم واقعی حرف تعریف، نه تنها این مبحث دستور زبان اسپانیایی را برای نظریه‌پردازان و پژوهشگران این زبان ناتمام و باز گذارده است، که مشکلات عدیده‌ای نیز برای دانشجویان و زبان‌آموزان علاقه‌مند به فراگیری زبان اسپانیایی، به عنوان زبان دوم پدید آورده است.

روش تحقیق

در این تحقیق به منظور بررسی علل پدید آمدن خطای زبان‌آموزان در بکارگیری حرف تعریف اسپانیایی از روش تحقیق علی استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، زبان‌آموزان ایرانی‌اند. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، نمونه انتخاب شده از جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (به عنوان یک روش غیر تصادفی) و با ملاک جنسیت (زن و مرد) و سطح زبان‌آموزان (مقدماتی، متوسطه و پیشرفته) گزیده شد. تحلیل آماری صورت گرفته نیز با استفاده از آمار استنباطی، بر اساس جمع‌آوری اطلاعات حاصل از پرسشنامه تهیه شده است. در این پرسشنامه از زبان‌آموزان خواسته شد تا به سؤالاتی که برای ارزیابی آن‌ها درباره کاربرد حرف تعریف طراحی شده‌اند، پاسخ دهند. زبان‌آموزان می‌بایست با توجه به قواعد دستوری اکتسابی و نیز با تعبیر و درک معنایی صحیحی که از جملات دارند، حرف تعریف مناسب را بکارگیرند. سپس پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط زبان‌آموزان در هر یک از سه سطح، با معیار بکارگیری درست و نادرست حرف تعریف بررسی و نتایج اطلاعات آماری به دست آمده در جدول‌ها و نمودارهای جداگانه ارائه گردید. مجموعه این اطلاعات، امکان شناسایی خطاها و نیز بررسی علل بروز آن‌ها را فراهم آورده است.

تحلیل آماری بکارگیری حرف تعریف توسط زبان‌آموزان

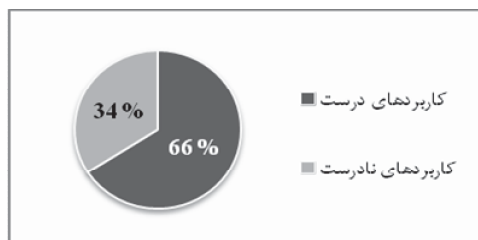
تحقیقاتی که لوپز فرناندز (۱۹۹۷) در میان زبان‌آموزان فرانسوی، آلمانی، ژاپنی و عرب در زمینه به کارگیری حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی انجام داده است، نشان می‌دهد که بیشترین درصد خطا مربوط به گروه ژاپنی‌ها است که ۲۴ درصد خطا را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که سایر زبان‌آموزان فقط ۳,۴ درصد در کاربرد حرف تعریف مرتکب خطا شده‌اند. در تحقیقاتی نیز که ما در زمینه زبان‌آموزان ایرانی انجام داده‌ایم، نتیجه‌ای مشابه با زبان‌آموزان ژاپنی حاصل شد، که در جدول زیر قابل ملاحظه است.

جدول شماره ۱- مجموع کاربرد درست و نادرست حرف تعریف معین توسط زبان‌آموزان ایرانی

کاربرد حرف تعریف معین	تعداد	درصد (%)
کاربردهای درست	۱۶۱۳	۶۶
کاربردهای نادرست	۸۱۷	۳۴
مجموع	۲۴۳۰	۱۰۰

همانطور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، از مجموع تعداد ۲۴۳۰ حرف تعریف بکارگرفته شده توسط زبان‌آموزان ایرانی، در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته، تعداد ۱۶۱۳ مورد (۶۶٪) حرف تعریف به درستی بکار گرفته شده و تعداد ۸۱۷ مورد (۳۴٪) حرف تعریف به صورت نادرست به کار گرفته شده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، بکارگیری نادرست حرف تعریف معین توسط زبان‌آموزان ایرانی همانند زبان‌آموزان ژاپنی درصد بالایی را به خود اختصاص داده است. باید به این نکته اشاره نمود که در زبان فارسی، همچون زبان ژاپنی، عنصر زبان‌شناسی معادل با حرف تعریف در زبان اسپانیایی وجود ندارد. اما وجود یک عنصر مشابه در ذهن زبان‌آموزانی که در ساختار زبان مادری خود دارای حرف تعریف‌اند (مانند زبان‌های فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، عربی و ...)، هرچند که از لحاظ ساختار و کاربرد با حرف تعریف زبان اسپانیایی متفاوتند، اما وجود یک عنصر مشابه در ذهن زبان‌آموزان، تأثیر شگرفی در کاهش درصد خطا خواهد داشت و این عامل، امکان جایگزینی این عنصر را در زبان مقصد و زبان مبدا فراهم آورد.



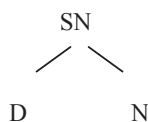
نمودار شماره (۱) - درصد کاربرد درست و نادرست حرف تعریف

ثبت خطای ۳۴ درصدی زبان‌آموزان ایرانی در به کارگیری نادرست حرف تعریف معین قابل تأمل است. این درصد بالا، ما را بر آن داشت تا پژوهش‌های جامعی را در این زمینه انجام دهیم و دو هدف مشخص را دنبال کنیم. در وهله نخست، به دنبال شناسایی خطاهای زبان‌آموزان در بکارگیری حرف تعریف معین اسپانیایی بودیم، سپس یافتن علل بروز این دسته از خطاها را در دستور کار خود قرار دادیم.

بحث و بررسی

جایگاه حرف تعریف در زبان اسپانیایی

گروه‌های تعیین کننده^۱ کوچکترین واحد منطقی جمله در زبان اسپانیایی محسوب می‌شوند. اسم، هسته و کد مفهومی گروه اسمی^۲ به شمار می‌آید و در برگیرنده اطلاعات دایره‌المعارفی مشترک میان شنونده و گوینده است، در حالی که تعیین کننده‌ها، کدهای عملکردی دارند و هدایت کننده هسته گروه اسمی محسوب می‌شوند، یعنی شنونده را هدایت می‌کنند تا بدون هیچگونه ابهامی مرجع گروه اسمی را تشخیص دهد (لئونتی، ۱۹۹۶، ۱۳۸-۱۰۱).



حرف تعریف معین و نامعین، صفات اشاره، صفات ملکی، اعداد و غیره از جمله تعیین کننده‌ها و یا نشانگرهایی‌اند که در ابتدای گروه اسمی وارد می‌شوند. تفاوت عمده این

1- Sintagma **D**eterminante

2- Sintagma **N**ominal

نشانگرها در این است که حرف تعریف یکی از گروه‌های تعیین کننده‌ای است که صرفاً مفهوم عام و معنایی مرجع خود را به ذات مبدل می‌کند و برخلاف دیگر تعیین کننده‌ها ویژگی انحصاری و محدود کننده ندارد (فوئنتس، ۱۹۹۷، ۳۲۹-۳۲۳)، مانند مثال‌های زیر:

El libro de Cervantes

Unos bancos azules

Aquella biblioteca

Mi padre es profesor

Cinco siglos

هرچند زبان فارسی، همچون زبان اسپانیایی، از گروه زبان‌های هندواروپایی است، اما فاقد عنصری همانند حرف تعریف است و تنها در کاربرد دیگر نشانگرها (صفات اشاره، صفات ملکی و...) با زبان‌های هندو اروپایی همانندی دارد. در بسیاری از زبان‌های دنیا، تضاد معین و نامعین با حرف تعریف نمود پیدا می‌کند، اما در زبان‌های فاقد این عنصر، به‌طور کلی این تضاد انعکاس نمی‌یابد و یا نمود آن بسیار ضعیف و حاشیه‌ای صورت می‌گیرد. این تضاد در زبان‌های ایرانی ضعیف است (کرمسکای، ۱۹۷۲، ۱۸۷). بسیاری از زبان‌ها، همچون زبان فارسی، ویژگی معین بودن مرجع را در مرکز توجه قرار نمی‌دهند، مگر آنکه تعیین دوری و نزدیکی آن برای گوینده و شنونده حائز اهمیت باشد. صفات اشاره در این زمینه، به صورت کاربردی عمل می‌کنند (*esta casa, aquella casa*) (لنز، ۱۹۲۰، ۲۸۴).

این نکته به نوبه خود این سؤال را بر می‌انگیزد که در زبان فارسی چگونه معین یا نامعین بودن مرجع گروه اسمی تعیین می‌شود. در بسیاری از منابع دستور زبان فارسی، معین یا نامعین بودن مرجع را به بودن یا نبودن نشانه نکره (یک/ی) وابسته می‌دانند و زمانی که در گروه اسمی نشانه نکره ظاهر نشود، دال بر معین بودن مرجع است (قریب، ۱۹۸۸، ۲۸-۲۶ و معین، ۱۹۸۴، ۴۲). اما برخی دیگر، علاوه بر نشانه نکره، صفات اشاره و برخی کلمات استفهام را نیز جز نشانگرهای گروه اسمی می‌دانند (گلفام، ۲۰۰۶، ۳۳-۳۲). بسیاری اوقات نیز معین بودن مرجع بدون نشانه (Ø) تعیین می‌شود. به کارگیری هر یک از این نشانگرها درجه معین بودن مرجع را در ذهن شنونده تعیین می‌کند، به عنوان مثال:

«یک کتاب، یک ستاره»

آن احساس، آن هوشیاری

کدام نگاه، کدام هوشیاری
Ø کتاب را به حسن دادم.»

پس ملاحظه می‌شود که در میان نشانگرهای زبان فارسی، عنصری همانند با حرف تعریف اسپانیایی وجود ندارد و در حقیقت آشنایی فارسی زبانان با حرف تعریف از طریق زبان عربی و انگلیسی بوده است.

حال با توجه به اجزا تشکیل دهنده گروه اسمی در زبان اسپانیایی (SN → D + N)، می‌توان گفت که اسپانیایی زبان‌ها نه تنها کد مفهومی، بلکه کدهای عملکردی یا نشانگرها را نیز که در ارتباط با عناصر دیگر جمله‌اند به طور همزمان فرا می‌گیرند. این بدان معنا است که در گروه اسمی، فراگیری کد مفهومی یا هسته به همراه کد عملکردی یا تعیین کننده، روند اکتسابی واحد و جدایی‌ناپذیری دارد. ولی زبان‌آموزان ایرانی، در فراگیری یک گروه اسمی در زبان اسپانیایی، به عنوان زبان دوم، فقط کد مفهومی را اکتساب می‌کنند و به کلی به حضور کد تعیین کننده، به ویژه حرف تعریف، بی‌توجه‌اند.

کاربردهای پیچیده حرف تعریف

حرف تعریف (el, la, los, las, lo) به عنوان یک عنصر زبان‌شناسی بسیار کوچک در زبان اسپانیایی می‌تواند بسته به کاربردش، نقش‌ها و ارزش‌های متفاوتی را بپذیرد، به عنوان مثال:

کاربرد حرف تعریف	کاربرد دیگر نشانگرها
Tráeme <i>el</i> diario de hoy.	Tráeme <i>un</i> diario de hoy.
<i>La</i> mesa es redonda.	<i>Esta</i> mesa es redonda.
<i>Los</i> zapatos son negros.	<i>Mis</i> zapatos son negros.

در این مثال‌ها و بسیاری دیگر از این دست، اختلاف ظاهری چندانی مشاهده نمی‌شود،

۱- گروه اسمی در زبان اسپانیایی شامل (SN → D + N + Adj) می‌باشد، اما در این مقاله تنها به مطالعه هسته و تعیین کننده‌ها می‌پردازیم.

اما تفاوت‌های معنایی آن‌ها برای هر اسپانیایی زبان و نیز مدرسان زبان اسپانیایی به خوبی قابل تشخیص است، چون هریک از این نشانگرها (un, el, la, los, esta, mis) مقیاس و درجه متفاوتی برای معین نمودن مرجع گروه اسمی دارند و هریک بسته به نوع خود، دامنه مرجع را تا حدودی محدود می‌کند. این ظرافت‌های زبانی، فراگیری استفاده از حرف تعریف اسپانیایی را برای زبان‌آموزان ایرانی دشوارتر می‌نماید، زیرا این نقش‌ها با سازوکارهای کاربردی در زبان فارسی تطابق ندارند. باید خاطر نشان کرد که این مقیاس‌های محدود کننده در زبان مبدأ زبان‌آموزان نیز وجود دارد، اما فرایند درک آن چنان در ذهن مخاطب فارسی زبان سریع، طبیعی و خودکار صورت می‌گیرد که شنونده اطلاعات را بلافاصله از پیام گوینده دریافت می‌کند. اما این روند به دلیل عدم تسلط کافی در زبان دوم به طور طبیعی و آنی صورت نمی‌گیرد.

مقیاس تعیین کننده‌گی نشانگرها

un	-
el/la	
esta	
mis	+

بدون تردید، یک زبان‌آموز قادر است با فراگیری قواعد دستوری مندرج در کتاب‌های آموزش زبان، کاربردهای دستوری حرف تعریف را به صورت اکتسابی و با تمرین فرا گیرد، مانند:

Al lado del cine

El alma, El aula

El pianista/La pianista

La foto, El problema

Jugar al fútbol

Aquí está el museo; Allí hay un abrigo

Son las siete de la mañana.

اما مشکل اینجا است که تمام کاربردهای حرف تعریف به قواعد دستوری آن منحصر نمی‌شوند و اینجاست که دیگر اصول دستوری اکتسابی توسط زبان‌آموزان چندان جوابگو

نیست، به عنوان مثال:

Cierra la ventana

Juguete de niña.

Juguete de la niña.

در این مثال‌ها، معین بودن مرجع گروه اسمی از طرق مختلف، از جمله محیط مشترک^۱ میان گوینده و شنونده قابل شناسایی است، هم‌چنین بودن یا نبودن حرف تعریف، مرجع را به طبقه‌ای از نوع خود نسبت می‌دهد و یا در مجموعه‌ای از نوع خود متمایز می‌کند (سکو، ۱۹۵۳، ۵۲). در چنین مواردی، کاربرد و یا عدم کاربرد حرف تعریف، زبان‌آموزان را دچار سردرگمی و تردید در آموخته‌هایشان می‌کند. به علاوه، در کتاب‌های آموزشی، زبان‌آموزان نیز به طور معمولی کوچک‌ترین اشاره‌ای به این نکات نشده است. پس باید توجه داشت که کاربردهای حرف تعریف تنها به رویکردهای دستوری^۲ آن خلاصه نمی‌شوند، چراکه این عنصر زبان‌شناسی در رویکردهای ارتباطی^۳ نیز کاربرد دارد.

خطاهای زبان‌آموزان در کاربرد حرف تعریف

حرف تعریف آن‌چنان با زبان اسپانیایی عجین شده است که در تمامی گفتار و نوشتار این زبان به چشم می‌خورد و عدم کاربرد آن اجتناب‌ناپذیر است. علی‌رغم اینکه تحقیقات متعددی دربارهٔ این عنصر دستوری انجام شده، اما تاکنون مفهومی واقعی از ارزش‌های آن ارائه نشده و کاربردهای آن نیز به نظم خاصی در نیامده است، تا فراگیری آن را سهل کند. در این پژوهش، تلاش کرده‌ایم تا ضمن ایجاد نظم و اصولی منطقی برای کاربردهای حرف تعریف، درک و فراگیری این عنصر کوچک ولی پویا در زبان اسپانیایی را تسهیل کنیم. هرچند مرزبندی برای کاربردهای حرف تعریف در تمام موارد امکان‌پذیر نیست، از این‌رو ما در اینجا سعی کردیم تا بکارگیری حرف تعریف را در قالب الگویی مشخص تدوین کنیم. بنابراین کاربردهای حرف تعریف را به سه گروه: کاربردهای دستوری، کاربردهای نحوی و کاربردهای معنایی تقسیم‌بندی کرده و سپس خطاهای زبان‌آموزان را در هر یک از این سه گروه مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.

1- Contexto

2- Gramaticales

3- Comunicativas

جدول شماره ۲- خطای زبان‌آموزان در کاربرد حرف تعریف معین

نوع خطا	مقدماتی (درصد)	متوسطه (درصد)	پیشرفته (درصد)
دستوری	۶۴٫۷	۴۸٫۳	۲۸٫۸
نحوی	۳۷٫۷	۲۵٫۳	۲۸
معنایی	۴۸٫۷	۱۸٫۷	۱۷

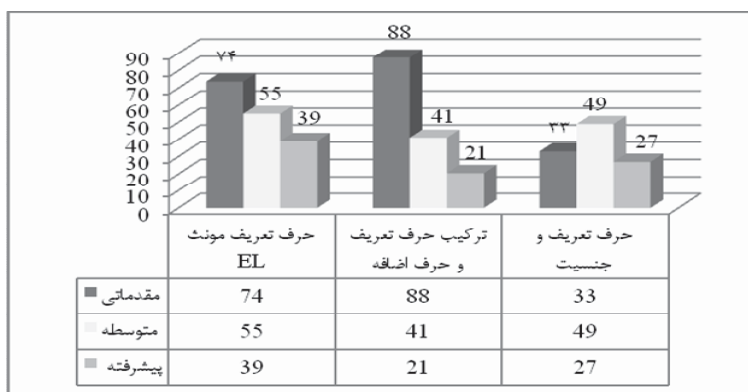
همانطور که در جدول شماره ۲ (مشاهده می‌شود، زبان‌آموزان در سطح مقدماتی دارای ۶۴٫۷ درصد خطای دستوری، ۳۷٫۷ درصد خطای نحوی و ۴۸٫۷ درصد خطای معنایی‌اند. علی‌رغم آنکه میزان خطای کاربران در سطوح متوسطه و پیشرفته به ترتیب کاهش یافته‌اند، اما همچنان این میزان، به ویژه در سطح پیشرفته قابل ملاحظه و جای تامل است. در ادامه برخی از خطاهای شناسایی شده در هر یک از دسته‌بندی‌های یادشده را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. خطاهای دستوری

نقش‌های دستوری حرف تعریف از مواردی‌اند که در منابع آموزشی توجه بیشتری به آن‌ها معطوف شده است، با این وجود، زبان‌آموزان در این خصوص با اشکالات متعددی مواجه‌اند. برای بررسی این موضوع، سؤالاتی در ارتباط با کاربردهای دستوری حرف تعریف در پرسشنامه این کار پژوهشی قرار داده شد و پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده، مشخص گردید که زبان‌آموزان ایرانی در کاربردهای دستوری حرف تعریف دارای اشکالاتی هستند که از جمله می‌توان به مواردی همچون کاربرد حرف تعریف مؤنث *el*، ترکیب حرف تعریف مفرد مذکر (*el*) و حرف اضافه (*a, de*) و نیز نقش حرف تعریف جنسیت اسم اشاره کرد، مانند نمونه خطاهای زیر:

کاربردهای نادرست	کاربردهای درست
1) <i>La águila blanca</i>	<i>El águila blanca.</i>
2) <i>Salió de el agua</i>	<i>Salió del agua.</i>
3) <i>periodista escribió.</i>	<i>El/La periodista escribió.</i>

همانگونه که در جملات بالا ملاحظه می‌شود، بروز خطا در به‌کارگیری حرف تعریف توسط زبان‌آموزان به دلیل عدم توجه به قواعد صحیح دستوری است، با این توضیح که در جمله شماره (۱)، کاربرد حرف تعریف مؤنث el با واژه‌گانی که با هجای اکسانت دار (a-/ha-) آغاز می‌شوند الزامی است و در جمله شماره (۲)، حرف تعریف مفرد مذکر (el) می‌بایست با حرف اضافه (de) ترکیب شود. در جمله شماره (۳) نیز حرف تعریف رابطه مستقیم با تعیین جنسیت اسم (el/la periodista) دارد. بدیهی است که این دسته از خطاها به دلیل بی‌توجهی زبان‌آموزان به قواعد دستوری، پدیدار شده است که اصلاح آن‌ها مستلزم دقت و ممارست بیشتر می‌باشد. نمودار زیر نتایج آماری حاصل از بررسی این دسته از خطاها را نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۲) - درصد خطاهای دستوری

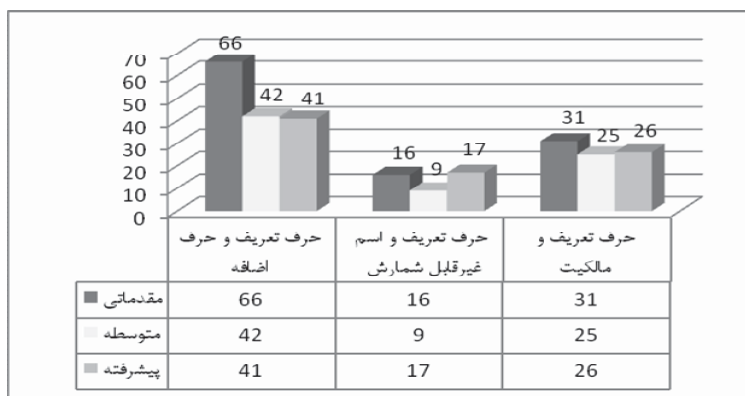
در نمودار شماره (۲) ملاحظه می‌شود که درصد خطاهای دستوری در کاربرد حرف تعریف معین با ارتقاء سطح علمی زبان‌آموزان کاهش می‌یابد، اما با این حال، در خطاهای مربوط به حرف تعریف و جنسیت، روند نزولی کاهش خطاها دیده نمی‌شود، به طوری که زبان‌آموزان سطح متوسطه با میزان ۴۹ درصد خطا در این گروه، نسبت به زبان‌آموزان مقدماتی و پیشرفته، درصد خطای بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند، که این به نوبه خود جای بحث و بررسی دارد.

۲. خطاهای نحوی

حرف تعریف به عنوان یکی از نشانگرها یا تعیین کننده‌های گروه اسمی در زبان اسپانیایی، نه تنها ارتباط تنگاتنگی با اجزا تشکیل دهنده گروه اسمی دارد، بلکه با عناصر دیگر جمله، مانند حروف اضافه، صفات ملکی و نیز قابل شمارش بودن یا نبودن اسم و غیره مرتبط است. بنابراین، اهمیت این موضوع سبب گردید تا سؤالات پرسشنامه به گونه‌ای تنظیم شود که توانایی زبان‌آموزان هم در بکارگیری حرف تعریف و هم در عدم استفاده از آن مورد سنجش قرار گیرد. و بر اساس ارزیابی به عمل آمده، مشخص شد که زبان‌آموزان در استفاده صحیح این عنصر زبانشناسی در ارتباط با دیگر اجزا جمله با مشکل مواجه‌اند و درصد خطای بالایی را به ثبت رسانده‌اند. از جمله خطاهای نحوی زبان‌آموزان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کاربردهای نادرست	کاربردهای درست
4) Juan se casó a veinte años.	Juan se casó a los veinte años.
5) Me duele mi cabeza.	Me duele la cabeza.
6) Hace el calor.	Hace calor.

در جمله شماره (۴)، کاربرد حرف تعریف (los) الزامی است تا سن Juan به هنگام ازدواج تعیین شود. در جمله شماره (۵)، هر چند کاربرد صفت ملکی (mi) درک معنایی درستی دارد، اما در زبان اسپانیایی معمول نیست و می‌بایست حرف تعریف را جایگزین آن کرد. اما جمله شماره (۶)، از مواردی است که ماهیت غیرقابل شمارش بودن اسم، عدم حضور حرف تعریف را ایجاب می‌کند (بسکه، ۱۹۹۶، ۴۸-۴۶). بنابراین ملاحظه می‌شود که زبان‌آموزان نه فقط در به‌کارگیری به‌جا و صحیح حرف تعریف در جملات شماره (۴) و (۵) مرتکب خطا شده‌اند، بلکه در مواردی مانند جمله شماره (۶) که عدم حضور حرف تعریف در آن الزامی است، به خطا از این عنصر دستوری استفاده نموده‌اند. نمودار زیر نتایج آماری حاصل از بررسی‌های به عمل آمده را نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۳) - درصد خطاهای نحوی

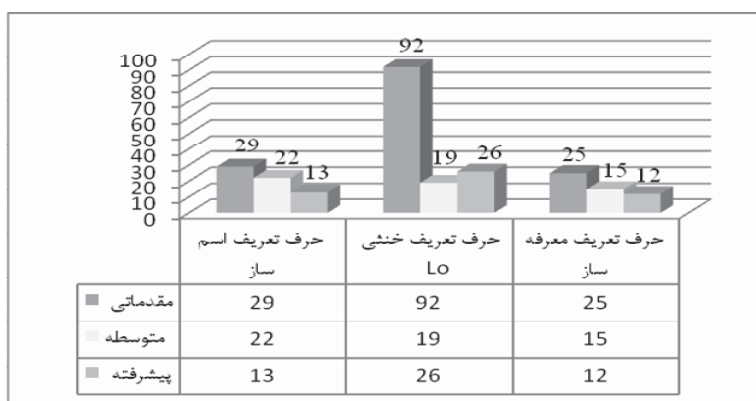
نمودار شماره (۳) نشان می‌دهد که در میان سه دسته خطاهای نحوی مورد بررسی، بیشترین خطاهای زبان‌آموزان مربوط به کاربرد حرف تعریف با حروف اضافه است، که سطح مقدماتی با ۶۶ درصد خطا نسبت به دو سطح متوسطه و پیشرفته، بیشترین خطا را به خود اختصاص داده است. به علاوه، کمترین خطای زبان‌آموزان مربوط به کاربرد حرف تعریف با اسم غیر قابل شمارش است (مقدماتی ۱۶٪، متوسطه ۹٪، پیشرفته ۱۷٪). هم‌چنین کاربرد نادرست صفت ملکی به جای حرف تعریف نیز که بدون تردید ریشه در زبان مبدأ دارد، حداقل خطای ۲۵ درصدی زبان‌آموزان را در سطح متوسطه نشان می‌دهد که به نوبه خود میزان چشم‌گیری است.

۳. خطاهای معنایی

خطاهای معنایی بخش دیگری از اشکالات زبان‌آموزان در استفاده از حرف تعریف است که در این تحقیق شناسایی شده‌اند. از آنجا که ماهیت حرف تعریف در کاربردهای معنایی بیش از یک واحد زبانی کوچک است، این امر روند فراگیری این عنصر زبان‌شناسی را پیچیده‌تر می‌کند. حرف تعریف اسم ساز، حرف تعریف خنثی lo و حرف تعریف معرفه‌ساز نمونه‌هایی از کاربردهای معنایی حرف تعریف می‌باشند. از این روی، سؤالاتی در پرسشنامه درج شدند تا توانایی زبان‌آموزان را در درک صحیح کاربردهای معنایی حرف تعریف، مورد ارزیابی قرار دهیم که نمونه خطاهای زیر مشاهده شد:

کاربردهای نادرست	کاربردهای درست
7) La clase de español y de inglés.	La clase de español y <i>la</i> de inglés.
8) No duerme necesario.	No duerme <i>lo</i> necesario.
9) Vi un hombre. Hombre estaba cansado.	Vi un hombre. <i>El</i> Hombre estaba cansado.

قابلیت اسم‌سازی حرف تعریف در عبارت شماره (۷)، از مواردی است که زبان‌آموزان آن را نادیده گرفته‌اند. حرف تعریف خنثی lo نیز کاربردهای فراوانی در زبان اسپانیایی دارد که نمونه‌ای از آن در جمله شماره (۸) مشاهده می‌شود، ولی به دلیل عدم تطابق آن در زبان فارسی، به یکی دیگر از اشکالات زبان‌آموزان مبدل شده است. هم‌چنین در جمله شماره (۹)، اسم ذاتی که برای مخاطب شناخته شده است، نیاز به حرف تعریف دارد. نمودار زیر، نتایج به‌دست آمده از بررسی این دسته از خطاها را نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۴) - درصد خطاهای معنایی

در نمودار شماره (۴) مشاهده می‌شود که در میان سه دسته از خطاهای معنایی بررسی شده، بیشترین خطای زبان‌آموزان مربوط به کاربرد حرف تعریف خنثی lo در سطح مقدماتی به میزان ۹۲ درصد است. در موارد دیگر، حداکثر خطاها به کمتر از ۳۰ درصد می‌رسد. هم‌چنین میزان خطای زبان‌آموزان در استفاده از حرف تعریف اسم‌ساز (مقدماتی ۲۹٪، متوسطه ۲۲٪،

پیشرفته ۱۳٪) و حرف تعریف معرفه‌ساز (مقدماتی ۲۵٪، متوسطه ۱۵٪، پیشرفته ۱۲٪). ملاحظه می‌شود که درصد خطاها به ترتیب از مقدماتی تا پیشرفته سیر نزولی دارد.

منابع آموزشی زبان‌آموزان

با بررسی منابع آموزشی^۱ در دسترس زبان‌آموزان ایرانی شرکت کننده در این کار پژوهشی دریافته‌ام که فرایند آموزش حرف تعریف در این منابع به صورت سطحی و غیرمستقیم ارائه شده است. بدین ترتیب که بطورعمده در کنار مباحثی همچون جنسیت اسم و صفت، افعال haber و estar، حروف اضافه (a, de) و غیره، به آموزش حرف تعریف پرداخته شده است و یا حداکثر، تعریفی کلی از حرف تعریف معین و نامعین همراه با برخی از کاربردهای بیشتر دستوری آن بدون توجه به جنبه‌های معنایی و کاربردی آن ارائه شده است. زبان‌آموزانی که قصد فراگیری حرف تعریف اسپانیایی را از طریق این منابع آموزشی دارند، در نگاه اول، قواعد مربوط به آن را یکی از ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین مباحث در دستور این زبان می‌دانند، اما به مرور زمان درمی‌یابند که اشکالات فراوانی در به‌کارگیری آن دارند و در بسیاری موارد برای استفاده و یا عدم استفاده از حرف تعریف دچار مشکلات فراوانی می‌شوند. همانطور که در نمودار شماره (۱) نشان داده شد، میزان بالای ۳۴ درصدی خطاهای ثبت شده زبان‌آموزان، بویژه در سطح پیشرفته، خود گواهی بر این حقیقت است که منابع آموزشی مناسب در این زمینه در دسترس زبان‌آموزان ایرانی نمی‌باشد.

نتیجه

مجموع مطالب فوق نشان می‌دهند که زبان‌آموزان ایرانی برای به‌کارگیری حرف تعریف اسپانیایی با مشکلات عمده‌ای روبرویند. برخی از این اشکالات ریشه در زبان مبدأ دارند و برخی دیگر با ساختارها و نوع عملکرد حرف تعریف مرتبط‌اند. بررسی نقش‌ها و ارزش‌های حرف تعریف در شرایط مختلف نیز نشان داد که حرف تعریف معین یک عنصر دستوری بسیار پیچیده و پویا در گفتار و نوشتار زبان اسپانیایی است و پویایی آن در این زبان چنان گسترده و وسیع است که محدود نمودن عملکردهای آن در یک چارچوب معین بسیار دشوار است. بنابراین، در این پژوهش کوشیدیم تا بر اساس کاربردهای الگویی حرف تعریف،

نقش‌های آن را به سه دسته دستوری، نحوی و معنایی طبقه‌بندی کنیم. سپس به بررسی و تحلیل خطاهای زبان‌آموزان پرداختیم و دریافتیم که علاوه بر پیچیده‌گی‌های حرف تعریف و عدم وجود آرایشی خاص در کاربردهای آن، علل دیگری نیز وجود دارند که تأثیر بسزایی در بروز اشکالات زبان‌آموزان در فراگیری زبان مقصد دارند، از جمله نتایج به دست آمده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱) زبان فارسی فاقد عنصری همانند با حرف تعریف معین اسپانیایی است و زبان‌آموزان با مفهوم آن ناآشنایند. بنابراین از نظر زبان‌شناسی، تطابق ذهنی برای آن وجود ندارد. ۲) سازوکارهای معین نمودن مرجع گروه اسمی در زبان فارسی و اسپانیایی با یکدیگر متفاوتند و زبان‌آموزان در بسیاری موارد، سازوکارهای زبان مبدأ را به اشتباه جایگزین ساختارهای گوناگون در زبان مقصد می‌کنند. ۳) زبان‌آموزان تسلط کافی در به‌کارگیری قواعد دستوری، معنایی، نحوی و کاربردی حرف تعریف ندارند. ۴) منابع آموزشی موجود برای آموزش حرف تعریف به زبان‌آموزان ایرانی که در زبان‌مادری خود فاقد این عنصر دستوری‌اند، کافی و مناسب نمی‌باشد، زیرا در این کتاب‌ها، از شیوه‌های سنتی و صرفاً به قواعد دستوری و به شکلی حاشیه‌ای به حرف تعریف پرداخته شده است. تمامی این عوامل سبب شده است که زبان‌آموزان ایرانی علاقه‌مند به فراگیری زبان اسپانیایی در استفاده از حرف تعریف دچار خطاهای قابل ملاحظه‌ای باشند.

Bibliography

- Alarcos LLorach, E. (1970). El Artículo en español. En *Estudios de Gramática Funcional del Español*. Madrid, Gredos, 3^a ed., (1984), 223-234.
- Alonso, A. (1933). Estilística y gramática del artículo en español. En *Estudios Lingüísticos (Temas españoles)*. Madrid, Gredos, 3^a ed., (1967), 125-160.
- Bello, A. (1847). *Gramática de la lengua Castellana (destinado al uso de los americanos)*. Con las notas de Rufino José Cuervo. Madrid : EDAF (1982).
- Bosque, I. (1996). Por qué determinados sustantivos no son sustantivos determinados. Repaso y Balanc. En Bosque, I. (ed.), *El sustantivo sin determinación, la ausencia de determinante en la lengua española*. Madrid : Visor Libros, S.L., 13-119.
- Fuentes, J.L. (1997). *Gramática moderna de la lengua española*. Barcelona: Foundation Book S.A., 17^a ed.
- Golfām, A. (2006). *Ūsūle Dastūre Zabān. [Principios de la gramática]*. Teherán: Editorial Samt, 2^a ed., (2007)].

- Krámský, J. (1972). The Article and the Concept of Definiteness, *in Language*. Amsterdam: Mouton.
- Leonetti, M. (1996). El artículo definido y la construcción del texto. *Signo y seña* 5, 101-138.
- Leonetti, M. (1990). *El artículo y la referencia*. Madrid: Taurus Universitaria.
- Lenz, R. (1920). *La oración y sus partes (estudios de gramática general y castellana)*. Madrid: Publicaciones de la Revista de Filología Española, 3ª ed.
- Fernández López, S. (1991). *Análisis de errores e interlenguas en el aprendizaje del español, como lengua extranjera*, Tesis doctoral inédita, Madrid, Universidad Complutense de Madrid.
- Moin, M. (1984). *Tarhe-e Dasture-e Zaban-e Farsi, 5. Esm-e gruhi, marefê, nakare. [Estructura de la lengua persa]*. Teherán: Editorial Amirkabir.
- Qarib, A. (1988). *Dasture-e Zaban-e Farsi (5 Ostad) [Estructura de la lengua persa]*. Teherán: Editorial Ashrafi.
- Real Academia Española (2009). El artículo (I). Clases de artículos. Usos del artículo determinado. En *Nueva Gramática de la Lengua Española. Morfología Sintaxis I*. Madrid: Espasa Libros, S.L.U., 1023-1086.
- Seco, R. (1953). *Manual de Gramática Española*. Madrid: Aguilar.